

# عارف قزوینی نامه‌های

به‌گوشش: مهدی به‌خیال  
بامقدمه‌ی دکتر محمد علی اسلام‌نوروشن



عارف قزوینی

**پتهوون**

مرکز موسیقی پتهوون شیراز

هرمس





## انتشارات هرمس

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

### نامه‌های عارف قزوینی

به کوشش: مهدی به‌خیال  
طراحی جلد: قباد شیوا  
چاپ اول: ۱۳۹۶  
تیراژ: ۷۰۰ نسخه  
چاپ: رسام  
همه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: عارف قزوینی، ابوالقاسم، ۱۳۱۲ - ۱۲۵۷.  
عنوان و نام پدیدآور: نامه‌های عارف قزوینی / به کوشش مهدی به‌خیال.  
مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۶.  
مشخصات ظاهری: ۳۰۸ ص.  
شابک: 978-964-363-964-8  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا  
موضوع: عارف قزوینی، ابوالقاسم، ۱۳۱۲ - ۱۲۵۷ -- نامه‌ها  
موضوع: نامه‌های فارسی -- قرن ۱۴  
شناسه افزوده: به‌خیال، مهدی، ۱۳۵۹ -  
رده‌بندی کنگره: PIR۷۷۶۳/۴۱۳۹۴  
رده‌بندی دیویی: ۸۶/۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۷۳۹۴۷

هرگونه استفاده از جلد و تصاویر کتاب (اعم از: فتوکپی، ضبط کامپیوتری، تهیه CD) بدون اجازه‌ی کتبی ناشر و مؤلف ممنوع است. متخلفان به موجب بند ۵ از ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



عارف قزوینی، ۱۲۸۸ هجری شمسی

## فهرست

پیش‌گفتار	۱۳
مقدمه	۱۷
نامه‌ها	
۱. به دکتر بدیع‌الحکما / سال ۱۳۰۰ ه.ش.	۲۳
۲. به علی بیرنگ / سال ۱۳۰۰ ه.ش.	۲۷
۳. به مخاطب ناشناخته / ۱۰ شهریور ۱۳۰۱ ه.ش.	۳۱
۴. به مخاطب ناشناخته / سال ۱۳۰۱ ه.ش.	۳۵
۵. به ملک‌الشعرا بهار / سال ۱۳۰۱ ه.ش.	۳۷
۶. به علی بیرنگ / ۲۰ دی ماه ۱۳۰۲ ه.ش.	۴۱
۷. به روزنامه‌ی گلگون / ۲۳ فروردین ۱۳۰۷ ه.ش.	۴۲
۸. به سید حسن تقی‌زاده / سال ۱۳۰۷ ه.ش.	۴۸
۹. به وحید دستگردی / بهمن ۱۳۰۷ ه.ش.	۵۱
۱۰. به منوچهرخان منوچهریان / ۲۷ بهمن ۱۳۰۹ ه.ش.	۵۳
۱۱. به عادل خلعتبری / ۸ اسفند ۱۳۰۹ ه.ش.	۵۶
۱۲. به غفاری فرخان / اواخر سال ۱۳۰۹ ه.ش.	۶۶
۱۳. به محمدرضا هزار / فروردین یا اردیبهشت ۱۳۱۰ ه.ش.	۶۹
۱۴. به عادل خلعتبری / ۱۶ اردیبهشت ۱۳۱۰ ه.ش.	۷۰
۱۵. به عادل خلعتبری / ۳۰ آبان ۱۳۱۰ ه.ش.	۷۳
۱۶. به منوچهرخان منوچهریان / ۴ آذر ۱۳۱۰ ه.ش.	۷۵
۱۷. به محمدرضا هزار / ۲۵ آذر ۱۳۱۰ ه.ش.	۷۷

۱۰	.....	نام‌های عارف قزوینی
۸۹	.....	۱۸. به محمدرضا هزار / (اواخر) بهمن ۱۳۱۰ ه.ش.
۹۶	.....	۱۹. به منوچهرخان منوچهریان / ۲۸ اسفند ۱۳۱۰ ه.ش.
۹۸	.....	۲۰. به حسن اقبالی / ۱۳۱۰ ه.ش.
۱۰۰	.....	۲۱. به محمدرضا هزار / ۳ فروردین ۱۳۱۱ ه.ش.
۱۰۱	.....	۲۲. به محمدرضا هزار / ۹ خرداد ۱۳۱۱ ه.ش.
۱۰۴	.....	۲۳. به محمدرضا هزار / ۷ آبان ۱۳۱۱ ه.ش.
۱۱۱	.....	۲۴. به محمدرضا هزار / ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۲ ه.ش.
۱۱۳	.....	۲۵. به محمدرضا هزار / ۴ مرداد ۱۳۱۲ ه.ش.
۱۱۵	.....	۲۶. به محمدرضا هزار / ۱ مهرماه ۱۳۱۲ ه.ش.
۱۲۱	.....	۲۷. به غفاری فرخان
۱۲۴	.....	۲۸. به غفاری فرخان
۱۲۶	.....	۲۹. به غفاری فرخان
۱۲۷	.....	۳۰. به غفاری فرخان
۱۲۸	.....	۳۱. به غفاری فرخان
۱۲۹	.....	۳۲. به غفاری فرخان
۱۳۰	.....	۳۳. به غفاری فرخان
۱۳۱	.....	۳۴. به غفاری فرخان
۱۳۳	.....	۳۵. به دکتر صادق رضازاده‌ی شفق
۱۴۱	.....	۳۶. به دکتر صادق رضازاده‌ی شفق
۱۴۵	.....	۳۷. به دکتر صادق رضازاده‌ی شفق
۱۴۶	.....	۳۸. به دکتر صادق رضازاده‌ی شفق
۱۴۸	.....	۳۹. به دکتر صادق رضازاده‌ی شفق
۱۴۹	.....	۴۰. به دکتر صادق رضازاده‌ی شفق
۱۵۰	.....	۴۱. به زنددخت شیرازی
۱۵۶	.....	۴۲. به زنددخت شیرازی
۱۵۸	.....	۴۳. به زنددخت شیرازی
۱۶۲	.....	۴۴. به زنددخت شیرازی
۱۶۵	.....	۴۵. به زنددخت شیرازی
۱۶۹	.....	۴۶. به علی بیرنگ
۱۷۱	.....	۴۷. به علی بیرنگ

۱۷۳	.....	۴۸. به علی بیرنگ
۱۷۴	.....	۴۹. به علی بیرنگ
۱۷۸	.....	۵۰. به علی بیرنگ
۱۷۹	.....	۵۱. به کلنل نصرالله خان کلهر
۱۸۲	.....	۵۲. به کلنل نصرالله خان کلهر
۱۸۴	.....	۵۳. به دکتر بدیع‌الحکما
۱۸۶	.....	۵۴. به میرزا ابراهیم خان ناهید
۱۹۰	.....	۵۵. به حسن فروتن تبریزی
۱۹۱	.....	۵۶. به حسن اقبالی
۱۹۳	.....	۵۷. به میرزا حسین خیاط
۱۹۶	.....	۵۸. به غلامعلی رعدی آذرخشی
۲۰۲	.....	۵۹. به سید محمدعلی جمالزاده / از استانبول به برلن
۲۰۴	.....	۶۰. به مخاطب ناشناخته
۲۰۵	.....	۶۱. به مخاطب ناشناخته
۲۰۷	.....	۶۲. به مخاطب ناشناخته
۲۲۲	.....	۶۳. به میرباقر رابط تبریزی / از تبریز، اواخر فروردین ۱۳۰۴ ه.ش.
۲۲۳	.....	۶۴. به میرباقر رابط تبریزی / از تهران، اواخر خرداد ۱۳۰۴ ه.ش.
۲۲۶	.....	۶۵. به میرزا علی خان منشی‌الملک / همدان، ۱۳۰۷ ه.ش.
۲۳۰	.....	۶۶. به رسام ارژنگی
۲۳۱	.....	۶۷. به علی دشتی
۲۳۲	.....	۶۸. به علی دشتی
۲۳۴	.....	۶۹. به مخاطب ناشناخته
نمایگان نامه		
۲۳۹	.....	فهرست منابع
۲۴۱	.....	نام‌های کسان
۲۴۹	.....	نام‌های جای‌ها
۲۵۳	.....	کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجله‌ها
۲۵۷	.....	تصاویر (عکس‌ها و اسناد)



## پیش‌گفتار

میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی (۱۳۱۲ - ۱۲۵۸ ه.ش.) شاعری شوریده‌حال، رندی یک‌لاقبای و وطن‌پرستی شجاع بود که سرنوشتی پر از رنج و سختی، آزاد از قید هستی، و سرخوش از مستی داشت. او در قزوین متولد شد و در تهران بالید و آوازه یافت و پس از عمری خانه‌به‌دوشی و گشت‌وگذار از قزوین تا استانبول، و از تهران تا بغداد و نیز رشت و کردستان و اصفهان و جای‌جای نقاط دیگر ایران، در نهایت به همدان آمد و همراه با «جیران»، خدمت‌کار و صیغه‌ی ترک‌زبان خود، در درّه‌ی باصفای مرادبیگ اقامت کرد.

عارف زودباور و ساده‌دل و رئوف بود با روحی لطیف، و شاعری بود حساس با آرمان‌های بزرگ. وی تصنیف را به سرحد اعلا رسانید، که هنرمندی بود تصنیف‌ساز و موسیقی‌دان و سازنده‌ی آهنگ‌ها و خواننده‌ی کنسرت‌ها. عارف کنسرت‌هایی برپا نمود برای مردم وطن، و شهره شد به «شاعر ملی» که به شایستگی چنین لقبی سزاوارش بود، و به قول بعضی از نویسندگان خط را هم زیبا می‌نوشت، و به قول خودش از چندین هنر بهره داشت:

طبیعت، هنر داد بر من چهار که آن چار در صفحه‌ی روزگار  
ندادست و ندهد ازین پس دگر به تنهایی آن چار بر یک نفر

و به‌حق او یکی از تأثیرگذارترین شاعران عصر مشروطیت است.

\*

و اما سخن اصلی:

این مجموعه شامل ۶۹ نامه از عارف قزوینی است، که ۷ نامه پس از گردآوری و تدوین پایانی این مجموعه به دست آمد که به ادامه‌ی نامه‌ها افزوده شد. عارف این نامه‌ها را به دوستانش نوشته، دوستانی از زمره‌ی ادیب و روزنامه‌نگار تا استادان نامدار و یا اشخاص

گمنام. او در دوره‌ی زندگی‌اش با اشخاص بسیار و چهره‌های گوناگون مکاتبه داشته، که با گذشت روزگار بسیاری از آن نامه‌ها مفقود شده و یا به هر دلیل دیگر منتشر نشده است. به‌طور مثال دکتر علی اقبالی در مورد از بین رفتن مکاتبات خود با عارف می‌گوید: «متأسفانه در فرانسه با صاحب‌خانه مشکلی داشتم که ایشان ضمن شکایت کلیه‌ی وسایل خانه [را] از جمله چمدانی که حاوی مدارک و نامه‌ها بود به دستور پلیس مصادره کرد. در یکی از نوشته‌ها نوشته بودم: قربان آستان مبارکت شوم. جواب داده بود که: اگر قربان آستان مبارک من می‌شوی برای آن است که سر من در آستان خانه‌ی شماست.»<sup>۱</sup>

عارف این نامه‌ها را از روی دل خوشی ننوشته بلکه سخن او از سر درد و دل‌تنگی بوده یا در جواب نامه‌هایی که به دستش می‌رسیده است. عمده‌ی این نامه‌ها نشان از تشویش خاطر دارد و اغلب مربوط به اواخر عمر اوست که در همدان سکونت داشت؛ سال‌های بیماری و تنگ‌دستی، سال‌های ناامیدی و بدبینی و دوری از پایتخت و رجالی که هر روزه جهت منافع خود، مواضع سیاسی‌شان دگرگون می‌گشت؛ و از همه دردناک‌تر روزهای خودکشی یا کشته شدن دوستانش که یک به یک رفته و او را تنهاتر می‌گذاشتند. این‌ها همه او را وادار به خانه‌نشینی و نامه‌نگاری کرد و در آخر هم از پای درآورد.

در مجموعه‌ی حاضر نکات جالب و قابل تأملی یافت می‌شود و خواننده را با فضای دوران مشروطه و حس وطن‌دوستی عارف بیش از پیش آشنا می‌سازد و در مورد نامدارانی همچون ملک‌الشعرا بهار، سید حسن تقی‌زاده، علی دشتی، لطفعلی صورتگر و دیگر کسان اطلاعات ارزشمندی به دست می‌دهد که اهمیت نامه‌ها را دوچندان می‌کند؛ اما از سوی دیگر آنچه در خلال نامه‌های عارف برجستگی دارد احوال‌پرسی‌های معمول و گلایه‌هاست و بگومگوهایی که روحیات و خُلقیات عارف را آشکار می‌کند؛ خصوصاً آن‌جا که سفره‌ی دلش را برای این و آن گشوده؛ هم از این روست که سیلان عاطفه و درهم‌ریختگی روحی گاه به بی‌معنایی جملات منجر شده است.

به هر تقدیر این نوشته‌ها بخشی از تاریخ و ادبیات دوران مشروطیت است که به شکل نامه درآمده و به زمانه‌ی ما رسیده، نامه‌هایی از زبان شاعر و تصنیف‌ساز و سرودخوانی جسور و عاصی و رندی بی‌باک چون عارف قزوینی؛ و از آن بابت است که خواندن چنین نوشته‌هایی جذاب و لذت‌بخش خواهد بود. بخشی از این نوشته‌ها مختصرند و قسمتی دیگر بسیار مفصل و حتی گاه صورت مقاله را دارند؛ مقاله‌هایی ۱. نک: ماهنامه‌ی سرو، ویژه‌ی هفته‌نامه‌ی هگمتانه، شماره‌ی ۸، ۲۹۲، بهمن ۱۳۸۲، گفت‌وگو با: دکتر علی اقبالی.



که اغلب با لحنی خودمانی نوشته شده‌اند با نهایت بی‌پروایی و صراحت و گاه همراه با انتقادات تند و تیز که سبک و سلوک عارف است.

نامه‌های عارف نخستین‌بار به همت محمدرضا هزار در سال ۱۳۱۴ ه‍.ش با عنوان عارف‌نامه‌ی هزار در شیراز چاپ شد و پس از آن تعدادی از نامه‌ها در دیوان اشعار عارف به‌طور پراکنده همراه با نامه‌های دیگر به طبع رسید؛ هم‌چنین نامه‌هایی که در اختیار افراد دیگر بود سال‌ها بعد در نشریاتی چون آینده، ارمنان، رودکی و ... منتشر شد.

در مورد ترتیب نامه‌ها سعی بر این بوده تا بر اساس تاریخ نگارش چیده شوند؛ اما از آن‌جا که اغلب نامه‌ها بی‌تاریخ بود و امکان گمانه‌زنی درباره‌ی تاریخ آن‌ها وجود نداشت، تصمیم بر آن شد که نامه‌های تاریخ‌دار در ابتدا و مکاتبات بدون تاریخ در پایان کتاب آورده شود. در پی نوشت‌ها نیز توضیحاتی مختصر از شرح‌حال گیرنده‌ی نامه‌ها آمده و در پایان هر نامه نیز منبع آن با علامت ستاره (\*) ذکر شده است. درخور یادآوری است که متن نامه‌ها به شیوه‌های نگارشی مرسوم آن روزگار و گاه آشفته و بسیار نامرتب بود و برای یکدست‌سازی متن کتاب، به صورت نوشتاری امروزی درآمد. دیگر اینکه تمامی نقطه‌چین‌هایی که در متن نامه‌های عارف (در این مجموعه) آمده مطابق صورت نامه‌ها در اسناد و منابع ذکرشده‌ی نامه است، بجز چند کلمه که به دلایل مشخص، به شکل قلاب نقطه‌چین [...] قرار داده‌ایم.

در این کتاب که حاصل تلاشی چندساله است، سعی کرده‌ایم تمامی نامه‌های منتشرشده و نامه‌های نویافته و تا کنون منتشرنشده را بر اساس موثق‌ترین اسناد و منابع موجود، در یک مجموعه گرد آوریم. بخشی از نامه‌های منتشرنشده را دوستان و سروران گرامی‌ام پرویز اذکایی، هما ارژنگی، علی اقبالی، سعید پورعظیمی، ناصرالدین حسن‌زاده و عباس فیضی برای چاپ در این کتاب در اختیارم گذاشتند که به جان از ایشان سپاس‌گزارم. بعضی دیگر از نامه‌ها در دیوان عارف یا نشریات سال‌های دور به خط خود شاعر با کیفیتی نامناسب و اندکی ناخوانا گراور شده بود، که همراه با منتشرنشده‌ها با یاری بی‌دریغ استاد محمد گلین خوانده شد.

طرح جلد کتاب حاصل هنر استاد قباد شیواست که با لطف بسیار در اختیار ما نهادند؛ از ایشان نیز سپاس‌ها دارم.

جای آن است یادی کنم از شادروان استاد ایرج افشار که چندی پیش از آن‌که بیماری‌اش شدت یابد، در گفت‌وگویی با او از گردآوری نامه‌های عارف خصوصاً نامه‌های تازه‌یافته سخن می‌گفتم؛ استاد علاوه بر آن‌که مشوق این کار شدند، تمایل بسیار نشان

دادند تا در زمان و قراری مشخص متن نامه‌ها را ببینند و بنا به درخواست نگارنده یادداشتی بر آن‌ها بنویسند؛ اما افسوس که هیچ کدام برآورده نشد و او از میان ما بال گستراند.

در پایان از دکتر پرویز اذکایی سپاسی ویژه دارم که با تمام گرفتاری‌ها و فرصت اندکی که داشتند، نامه‌های عارف را چندین بار خواندند و نکات مهمی را یادآور شدند و «ویرایش فنی» آن را برعهده گرفتند، و قصد داشتند که در پایان نیز مؤخره‌ای در توضیح و تفسیر نامه‌ها بنگارند که میسر نشد. هم‌چنین رهین منت دیگر بزرگوارانی هستم که اوقات گران‌مایه‌ی خویش را بدون هیچ چشم‌داشت و با گشاده‌دستی صرف رفع مشکلات متن و یاری در مراحل مختلف آماده‌سازی، طبع و نشر این کتاب کرده‌اند که به ذکر نام شریفشان بسنده می‌کنم: دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، دکتر سعید پورعظیمی و خانم ناهید زندی.

مهدی به‌خیال

همدان / شهریورماه ۱۳۹۰

۱ مطلب مهمی که قصد آن بود طی مؤخره بدان اشارت رود، این‌که نامه‌های شادروان عارف (در این دفتر) حاوی اطلاعات مفیدی در تاریخ سیاسی-اجتماعی و رجال‌شناسی معاصر همدان است، که در منابع دیگر کمتر فرادست می‌آید [پ. اذکایی].

## مقدمه

دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن

غریب‌تر که هم از من غریب‌تر وطنم  
عارف

من هنوز در آغاز دبیرستان بودم که برحسب اتفاق با نام عارف قزوینی آشنا شدم. تازه به کتاب خریدن و کتاب خواندن افتاده بودم که در کتابفروشی چشمم به نلمه‌های عارف افتاد که هزار شیرازی گردآوری کرده بود، و آن را خریدم. سپس شناخت شاعران همزمان و مشابهش چون عشقی و فرّخی یزدی و اشرف‌الدین نسیم‌شمال پیش آمد که همگی هم امید و هم سرخوردگی دوران بعد از مشروطه را می‌سرودند. با این سرخوردگی تعجّبی نبود که افسردگی بر شاعران عارض گردد. از خود می‌پرسیدند چه شد که چنین شد؟ به قول مولوی:

ای عجب آن عهد و آن سوگند کو      وعده‌های آن لب چون قند کو؟

عارف از همه این گویندگان تأثیرپذیرتر است. او تنها سرخوردگی از مشروطه را نمی‌سراید؛ بلکه کل تاریخ ایران را با تأسّف به یاد می‌آورد. از خود می‌پرسد: «کجا رفتند آن سرفرازی‌های پیشین؟»

او خود را یک «ایرانی پاک‌نژاد» می‌داند، و برای ایرانی وظایفی قائل است که باید حقش ادا گردد. وقتی به تاریخ نگاه می‌کند، از یک‌سو دستاوردهای درخشان در زمینه فرهنگ و فکر و هنر و پیروزی و کشورداری می‌بیند و از سوی دیگر در مقابل، دوره‌هایی همراه با تهاجم و دربه‌داری و شهربندان و کشتار و ویرانی ... این کشور همه رویدادهای تلخ و شیرین را آزموده است و اکنون هم که مشروطه نوید گشایشی می‌داده، دور از آن



بوده است که برآورنده انتظار باشد.

عارف نیز به سبک خود، دنباله همان نظر سرایندگان پیشین را می‌گیرد که دنیا را «محنت‌آباد» می‌خواندند، و ادبیات فارسی سرشار است از نغمه شکایت؛ با این تفاوت که آنان چرخ و آسمان را مقصر می‌شناختند و او اجتماع و حکومت را. نامه رستم فرخ‌زاد به برادرش را در شاهنامه ببینیم، رنجامه‌های ناصر خسرو و دیگران را، شکوه‌های حافظ که می‌گفت: «جهان پیر است و بی‌بنیاد، از این فرهادکش فریاد» ... و هزاران از این نوع.

ملت ایران ذاتاً ملتی شادی‌گرای و زندگی‌دوست بوده است؛ ولی در ادب فارسی اغلب حرف بر سر هجر و محرومی است؛ حتی در نزد عارفان ستایش از غم دیده می‌شود، که در ادب جهان کم‌سابقه است. چرا غم باید از شادی مطلوب‌تر شناخته شود؟ آن را جز به ناهنجاری اوضاع نمی‌توان نسبت داد.

عارف بیشتر از هر گوینده آن زمان از تلخکامی دم می‌زند. زندگی شخصی او نیز به این آمادگی کمک کرده است.

نخست از خانواده شروع می‌شود. رفتار پدرش با مادرش. مادر را پامال‌شده ظلم پدر می‌داند. آنگاه زندگی اطرافیان. دوستانش یک به یک یا جوانمرگ می‌شوند، یا خودکشی می‌کنند؛ خود او در عشق ناکام می‌گردد. همه با او سلوک ناروا دارند از همه بدتر خود او با خود. به هرسو که نگاه می‌کند تجزّی است و بی‌حسابی. مرجعی در کار نیست؛ خود را در یک بیابان بی‌فریاد می‌بیند.

عارف از آن طبایع پرتوقع است که می‌خواهد یا همه چیز باشد یا هیچ. کسانی را که می‌شناسد، یا بیش از حد آن‌ها را می‌ستاید، یا سراپا رد می‌کند. به اندک چیزی کاسه صبرش لبریز می‌گردد، می‌گوید که تنها ایران و انسانیت برایش مطرح است.

در دوره مشروطیت بار دیگر این خصوصیت تاریخی ایران که تقابل امید و نومیدی است سر برمی‌آورد. امید برانگیخته می‌شود و زود فرومی‌خوابد؛ گویی گرهی تاریخی در کار کشور است که باید در انتظار باز شدنش بود.

اگر عارف را بتوان شاعر ملی خواند، برای آن است که بیش از هر گوینده زمان خود، آرزو و حسرت رهایی کشور را در کلام خود بازتاب داده است و زندگی شخص خود را نیز با آن هماهنگ کرده است.

\*

این چند خط را به درخواست آقای به‌خیال که گردآوری تازه‌ای از نامه‌های عارف را به

کار آورده‌اند نوشتیم. نه آن است که حق مطلب را ادا کرده باشیم، همین اندازه خواستم نشانه قدرشناسی‌ای باشد از این مرد پاکباز که بعد از مرگش هم تا حدی غریب افتاده است. این غربت کم و بیش شامل سایر شاعران مشروطه نیز هست که همگی دلبسته کار ایران بودند و ناکام رفتند. اگر فراموشی بر دیروزیان سایه افکند، کسانی که فردا بیایند، آنان نیز مای امروز را به فراموشی خواهند سپرد.



«قربانت شوم! نامه‌ی نامی آن برادر عزیز را در شب چهاردهم، خیر ببخشید پانزدهم شهر محرم در موقع خواب فراش پست آورد. چون چندیست شکر خدا را از تهران هیچ کاغذ ندارم، قدری فکر کردم چه کسی به من بی کس کاغذ نوشته است. وقتی که ملتفت شدم فوق العاده خوشوقت، دنیا دنیا از این مرحمت تشکر دارم... به دوستان نوشتم نه کاغذ بنویسید و نه می نویسم چندان کاری ندارم...»

ا. عارف قزوینی.ا.

«...نامه های شادروان عارف (در این دفتر) حاوی اطلاعات مفیدی در تاریخ سیاسی - اجتماعی و رجال شناسی معاصر همدان است، که در منابع دیگر کمتر فرادست می آید.»

پ. اذکائی.ا.

«این مجموعه شامل ۶۹ نامه از عارف قزوینی است که به دوستانش نوشته، دوستانی از زمره‌ی ادیب و روزنامه‌نگار تا استادان نامدار و یا اشخاص گمنام... عارف این نامه‌ها را از روی دل خوشی ننوشته؛ بلکه سخن او از سر درد و دل‌تنگی بوده... در مجموعه‌ی حاضر نکات جالب و قابل تأملی یافت می‌شود و خواننده را با فضای دوران مشروطه و حس وطن‌دوستی عارف بیش از پیش آشنا می‌سازد و در مورد بعضی از اشخاص نامدار هم چون: ملک الشعرا بهار، سید حسن تقی‌زاده، علی دشتی، لطفعلی صورتگر و دیگر کسان اطلاعات ارزشمندی به دست می‌دهد که اهمیت نامه‌ها را دوچندان می‌کند...»